

مطالعه تطبیقی گفتمان تاریخی امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

سید مسعود موسوی*

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از گفتمان‌های حاکم در حوزه‌های مختلف از جمله گفتمان تاریخی دچار تحول شد. در جهت‌دهی به این تحول گفتمانی، امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبران نظام جمهوری اسلامی نقش محوری داشتند. در گفتمان تاریخی ایران پس از انقلاب، صحبت در باب فهم و بینش تاریخی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای اهمیت بسیاری دارد؛ به خصوص که بینش، روش و ارزش‌های پذیرفته‌شده در تاریخ‌نگاری و نیز اندیشه تاریخ‌نگرانه برخی مورخان ایرانی بعد از انقلاب تا حد زیادی تحت تأثیر نگاه و رویکرد ایشان بوده است. نظر به اهمیت این موضوع، مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که در درجه نخست، تاریخ و تاریخ‌نگاری در گفتمان تاریخی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای در مقام رهبران جمهوری اسلامی، چه جایگاهی داشته و در گام بعد در قالب مطالعه تطبیقی، گفتمان تاریخی این دو رهبر از چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر برخوردار است.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نگاری، امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، روحانیت، گفتمان تاریخی

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست‌و‌چهارم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۰ • شماره مسلسل ۹۳

مقدمه

یکی از خصایص بارز رهبران بزرگ، توان بالای عبرت‌آموزی و بهره‌گیری از تجربیات گذشته خود و دیگران است. آنان حقیقتاً پی برده‌اند که در تجربیات پیشینیان، درس‌های گرانبهایی برای رهبری و اصلاح خود و جامعه نهفته است. از این رو، آنان با بصیرت و تعمق شگرفی به تاریخ فرهنگ و اندیشه و تحولات اجتماعی ملت‌های خود توجه دارند. رمز پیشتازی و موفقیت رهبران بزرگ اجتماعی هم در همین مطلب است؛ زیرا از روش‌های نادرست و خطاهای گذشتگان پرهیز نموده و راه درست را از همان نقطه‌ای که بر زمین مانده است، ادامه می‌دهند و یک عمل تاریخی - اجتماعی تجربه‌شده را از نو امتحان نمی‌کنند. بدین ترتیب، این گروه از رهبران و مصلحان نامدار اجتماعی به میزان توانایی‌شان در بهره‌گیری از تجربیات، بیش از یک یا چند نسل جلوتر از زمان خود می‌اندیشند و عمل می‌کنند، لذا نمی‌توان از تأثیرات اجتماعی آنان به سادگی گذر کرد.

با گذشت بیش از چهار دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفتمان‌های موجود در قالب این نظام در حوزه‌های مختلف را مورد بررسی قرار داد که از جمله این گفتمان‌ها، گفتمان تاریخی پس از انقلاب است. نوع نگاه و برداشت رهبران هر کشور نسبت به تاریخ و تحولات تاریخی، می‌تواند آثار مستقیمی بر رویکردها و سیاست‌گذاری‌های آن‌ها داشته باشد. تأثیر رهبران بر تاریخ و رخدادهای تاریخی و به عبارتی تاریخ‌سازی آن‌ها و در عین حال تأثیرپذیری آن‌ها از تاریخ و وقایع تاریخی، مقوله‌ای مهم بر سرنوشت ملت‌هاست.

پیروزی انقلاب اسلامی از مهم‌ترین تحولات در تاریخ ایران محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی و ایدئولوژیک بود که در نتیجه آن بسیاری از گفتمان‌های حاکم در حوزه‌های مختلف از جمله گفتمان تاریخی دچار تحول شد. این تحول گفتمانی را به طور مشخص در دوره رهبری امام خمینی^(ره) و دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در چهار دهه گذشته می‌توان مورد بررسی قرار داد. در حالی که گفتمان تاریخی حاکم بر کشور پیش از انقلاب متأثر از باستان‌گرایی و ملی‌گرایی بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این گفتمان تا حد زیادی دچار بازتعریف شد و تحولات تاریخی گذشته از منظرهایی نو و متفاوت مورد تحلیل قرار گرفتند. تأثیر منظومه فکری امام خمینی^(ره) بر گفتمان تاریخی پس از انقلاب چه در حوزه بینش و چه در حوزه روش کاملاً

محسوس بود. تاریخ‌نگاری ایران بعد از انقلاب اسلامی، اصول و مبانی مجزا و تفکیک‌پذیری به دست آورد که هم در حوزه روش‌شناسی و هم در بینش تاریخی، این تاریخ‌نگاری را از سایر نحله‌های تاریخ‌نگارانه معاصر و همچنین مسیر تاریخ‌نگاری گذشته ایران متمایز می‌کرد. این اصول و مبانی از سویی ریشه در پاره‌ای اعتقادات و باورهای مذهب اسلام شیعی داشت و از سوی دیگر از نظام واژگانی خاص خود برای تبیین رویدادهای تاریخی و تحولات بعد از انقلاب در داخل کشور بهره می‌گرفت و همچنین از روش‌شناسی خاصی برای تحقیقات و پژوهش‌های خود پیروی می‌کرد.

در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تحولات گفتمان تاریخی پسا انقلاب تا حد زیادی نهادینه شد. در حالی که دوره ده ساله رهبری امام خمینی^(ره)، با بحران‌های اوایل انقلاب و جنگ هشت ساله تحمیلی بر ملت ایران مقارن بود و بخش مهمی از استعداد و توان کشور صرف این مسائل می‌شد، بیش از سه دهه رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دوره تثبیت و توسعه گفتمان‌های جمهوری اسلامی بوده است. در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مقوله فرهنگ از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است؛ در این بین، گفتمان تاریخ و تاریخ‌نگاری همواره از سوی ایشان مورد توجه بوده و طی سه دهه اخیر توسعه قابل توجهی داشته است.

در گفتمان تاریخی ایران پس از انقلاب، صحبت در باب فهم و بینش تاریخی امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای اهمیت بسیاری دارد؛ به خصوص که بینش، روش و ارزش‌های پذیرفته شده در تاریخ‌نگاری و نیز اندیشه تاریخ‌نگارانه برخی مورخان ایرانی بعد از انقلاب تا حد زیادی تحت تأثیر نگاه و رویکرد تاریخ‌نگارانه ایشان قرار داشته است، این بینش متمایز در حوزه تاریخ‌نگاری، بیش از هر امر دیگری تحت تأثیر آموزه‌های دینی مذهبی در عرصه تاریخ است. در واقع می‌توان گفت بینش دینی، مهم‌ترین رکن در نگرش تاریخی امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد. این نگاه ایدئولوژیک به دین و محتوای آموزه‌های آن را می‌توان شاکله اصلی و اساسی در تاریخ‌نگاری امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای دانست که تأثیر مستقیمی بر حکمرانی و امنیت ملی کشورمان داشته است. این نوع نگاه به تاریخ، یک چرخش راهبردی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران بود که پیامدهای مهمی بر امنیت ملی کشور داشت. تاریخ به عنوان بخشی از مواد تشکیل‌دهنده ایدئولوژی سیاسی که بر هویت سیاسی تأثیر می‌گذارد، قابلیت آن

را دارد که به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر امنیت ملی مورد توجه و سرمایه‌گذاری قرار گیرد. این ویژگی‌ها دقیقاً در گفتمان تاریخی امام^(ه) و مقام معظم رهبری، که در ادامه تشریح خواهد شد، وجود داشت.

مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که در درجه نخست، نگاه کلان امام خمینی^(ه) و آیت‌الله خامنه‌ای در مقام رهبران جمهوری اسلامی، به مقوله تاریخ چگونه بوده است و در گام بعد در قالب مطالعه تطبیقی، گفتمان تاریخی این دو رهبر چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. روش این مطالعه از نوع تطبیقی-تاریخی با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است. این روش نوعی مطالعه کیفی است که موضوع آن رخدادهای تاریخی است.

الف. چارچوب نظری

مطالعه تطبیقی یکی از اصلی‌ترین روش‌ها در حوزه علوم اجتماعی، به ویژه در جامعه‌شناسی تطبیقی و تاریخی است. روش تطبیقی که مبتنی بر مقایسه برای فهم مشابهت‌ها و تفاوت‌هاست، یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها در اندیشه اجتماعی و علوم اجتماعی است. ارسطو به مقایسه میان دولت‌شهرهای گوناگون یونان و هرودوت به مقایسه میان جهان یونانی و غیر یونانی پرداختند (مک‌کی و مارش، ۱۳۷۸: ۲۸۷). این روش مورد اقبال و توجه بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی نیز قرار گرفته بود. امیل دورکیم در قواعد روش جامعه‌شناسی، در مقام کلاسیک‌ترین متن روش‌شناختی جامعه‌شناسی، روش تطبیقی را نه شاخه‌ای از روش، بلکه برابر با خود جامعه‌شناسی معرفی کرده است. به عبارتی، حیات اجتماعی در جامعه‌شناسی تطبیقی از طریق مقایسه و تطبیق واقعیت‌ها، فهم می‌شود. دورکیم بر مبنای این روش دو نوع تطبیق را از یکدیگر متمایز می‌نماید. «یکی مقایسه بر اساس مشابهت‌ها، مانند مقایسه جوامعی که دارای ماهیت و ساخت‌های یکسان و مشابهی هستند و دیگری مقایسه بر اساس تفاوت‌ها، مانند مقایسه جوامعی که دارای ماهیت و ساخت‌های متفاوتی هستند. در نتیجه روش تطبیقی روش کشف اشتراک‌ها و افتراق‌ها در میان واقعیت‌ها و فرایندهای اجتماعی است (غفاری و همکار، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۴). به نظر اسملسر، حتی توصیف نیز متضمن مقایسه است (Smelser،)

2003:644). از نظر چارلز تیلی، پژوهش تاریخی - تطبیقی فرزند تلافی تاریخ و جامعه‌شناسی است (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۰).

امروزه مطالعه تطبیقی در قالب‌های مطالعه تطبیقی، کمی متغیرمحور و مطالعه تطبیقی کیفی مورد‌محور دنبال می‌شوند. در مطالعه کمی تطبیقی، محقق در قالب استراتژی قیاسی در پی آزمون نظریه مورد نظر است و حرکت از نظریه به سمت تحلیل داده‌های مرتبط و در خدمت نظریه در جریان است. درحالی که در تحلیل تاریخی - موردی، ابتدا واقعه‌ای مشاهده می‌شود، آن‌گاه واقعه مذکور در متن تاریخی معین قرار گرفته و فرایند تاریخی و سلسله حوادثی که به تولید آن واقعه منجر شده‌اند با هدایت تئوری جستجو می‌شوند (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۰۷). در مطالعه تطبیقی کیفی موردی، نظریه‌پردازی و دسترسی به الگوها و مدل‌های نسبتاً عام مطرح است.

آغاز مطالعه تطبیقی، گونه‌شناسی مسئله و تدوین دقیق آن است. هر پژوهشی باید بر حسب توانایی فرد محقق و سایر عوامل مرتبط، محدود گردد. تحدید دامنه تحقیق در مطالعات تطبیقی اهمیت بیشتری دارد و انتخاب آن، گزینش راهبردی در فرآیند تحقیق است.

مطالعه تاریخی - تطبیقی نیازمند فهم تاریخی است. درک شرایط زمانی و هم‌زمانی و تقارن رویدادها به معنای فهمی تاریخی است که به درک زنجیره‌های تکوینی و اتصالات بین رخدادها کمک می‌کند (Mahoney & Dietrich, 2003:11). تحلیل تطبیقی - تاریخی نوع خاص و متمایزی از تحقیقات اجتماعی است که با سه ویژگی اساسی مشخص می‌شود: تحلیل علی، تأکید بر فرایندهای زمانی و استفاده از مقایسه سیستماتیک بافت‌مند یا مبتنی بر زمینه (Mahoney & Dietrich, 2003: 56). تحلیل‌گران تاریخی - تطبیقی در نوشته‌های روش‌شناختی خود بر اهمیت تحقیقات کیفی کلان‌مورد‌محور تأکید دارند که به زعم آنها، تحلیل درون‌موردی ابزاری است که به ویژه برای جبران و ترمیم محدودیت‌ها و نواقص مرتبط با روش‌های مقایسه بین‌موردی طراحی شده است.

از نکات اساسی در پژوهش تطبیقی، معادل‌سازی تاریخی و فضایی است زیرا پژوهشگر هنگام مقایسه جوامع گوناگون یا حتی به هنگام مقایسه یک موضوع تاریخی با مسئله هم‌ارزی یا معادل‌سازی روبه‌رو می‌شود. آیا پدیده‌های به ظاهر مشابه در دو جامعه گوناگون یا در دو

دوره متفاوت تاریخی واقعاً مشابه‌اند و معنایی یکسان دارند؟ آیا مقیاسی که برای اندازه‌گیری متغیری در یک فرهنگ به کار رفته است، همان متغیر را در فرهنگ دیگر می‌سنجد؟ (امامی، ۱۳۸۶: ۴۱۵). برای حل نسبی این مسئله از شیوه‌های معادل‌سازی گوناگونی یاد شده است که از آنها به معادل‌سازی واژگانی، معادل‌سازی متنی، معادل‌سازی مفهومی و معادل‌سازی سنجشی می‌توان اشاره کرد.

بی‌گمان روش مطالعه تطبیقی می‌تواند الگوی مناسبی برای بررسی موضوع گفتمان تاریخی امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای باشد. استخراج مفاهیم مشترک برای نشان‌دادن مشابهت‌ها و تفاوت‌های گفتمان دو رهبر از الزامات بکارگیری روش تطبیقی در این زمینه است. نوع دیدگاه درباره تاریخ و اهمیت آن، کارکردها و درس‌های تاریخ، چند و چون تاریخ‌نگاری در ایران، ویژگی‌های یک مورخ و نکته‌نظرات درباره رخدادها و وقایع تاریخی از جمله فاکتورهایی است که در این خصوص می‌توان در نظر گرفت.

ب. نگاه امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای به مقوله تاریخ

در منظومه فکری رهبران جمهوری اسلامی، تاریخ و گفتمان تاریخی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نظام حکمرانی که از سوی آن‌ها برای جمهوری اسلامی ایران طراحی شده تا حد زیادی متأثر از نگاهی است که به تاریخ و تحولات تاریخی دارند. امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به تسلطی که به تاریخ و تحولات تاریخی داشته و تحولات تاریخ معاصر ایران را از نزدیک درک کرده‌اند، از تاریخ به عنوان ابزاری کاربردی برای حکمرانی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف بهره می‌گیرند. ذکر تجربه‌های تاریخی که در گذشته اتفاق افتاده‌اند و عبرت‌آموزی از اشتباهاتی که حکومت‌های گذشته داشته‌اند، شبیه‌سازی شرایطی که ناچار به تصمیم‌گیری شده‌اند با برخی از رویدادهای تاریخی گذشته، در جای‌جای مواضع امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای قابل مشاهده است.

در قالب یک مطالعه تطبیقی، بررسی گفتمان دو رهبر نظام جمهوری اسلامی درباره مقوله تاریخ قاعدتاً در چارچوب سه مبحث نگاه کلان به مقوله تاریخ، رویکرد تاریخ‌نگاری و نظراتی که به برخی رخدادها و رویدادهای تاریخی داشته‌اند، امکان‌پذیر است و با توجه به مفاهیم مشترکی که در این

خصوص وجود دارد، امکان مقایسه این دو گفتمان فراهم می‌شود که این موضوعات ذیلاً بررسی می‌شود.

ج. رویکرد تاریخی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) اگرچه اثر مستقلی درباره علم تاریخ ندارند اما در آثار مکتوب، سخنرانی‌ها، پیام‌ها و بیانات‌شان به شیوه‌های مختلف درباره علم تاریخ، حوادث تاریخی، فلسفه تاریخ و... اظهار نظر کرده‌اند. علم تاریخ از علوم مورد علاقه امام خمینی (ره) بود و ایشان علاوه بر توجه به مباحث نظری این دانش، به مطالعه مستمر آثار تاریخی و الگوگرفتن و تجربه‌آموزی از تاریخ گذشتگان، به خصوص وقایع تاریخ صدر اسلام و قیام‌های مردم مسلمان ایران در انقلاب‌هایی چون مشروطه و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ توجه ویژه‌ای داشتند. برخی از وجوه مهم رویکرد امام خمینی (ره) به تاریخ عبارتند از:

۱. نگاه کارکردگرایانه به تاریخ

هرچند امام خمینی (ره) مورخ نیست اما به عنوان یک متفکر، از تاریخ به شکل مناسب خود بهره‌گیری می‌کند. تاریخ برای امام جنبه کارکردی و کاربردی بسیار مهمی داشت که از این جنبه‌ها در جهت هرگونه تغییر و اصلاح اجتماعی و سیاسی بهره‌مند می‌شدند. تاریخ و نیروهای کنش‌گر آن در دوره‌های پیشین، به خصوص زمان صدر اسلام، برای نیازهای امروری دوباره بازخوانی می‌شدند و مورد قضاوت‌های مجدد قرار می‌گرفتند. تاریخ‌نگری از منظر امام در خدمت ایدئولوژی جدید درآمد و همین ویژگی بسیار مهم در بینش تاریخی مورخان بعد از انقلاب نیز نفوذ پیدا کرد (احمدوند، ۱۳۹۷: ۴۲).

از نگاه امام، نبرد همیشگی ظلم و عدل از ویژگی‌های همیشگی در جریان تاریخ است که این نبرد در نهایت به پیروزی عدالت و شکست ظلم منتهی خواهد شد. انتقاد صریح امام در این مورد هم متوجه رویکردهای حکومت پهلوی بود که از نظر امام، مصداق بارز حکومت ظلم بود. بنابراین حضور واژه‌هایی مانند استعمار، استثمار، شرق، غرب و... در تحلیل تاریخ معاصر از جانب امام (ه) از همین بنیان‌های نظری نزد ایشان خبر می‌دهد (احمدوند، ۱۳۹۷: ۴۳-۴۴). نگاه امام به تحولاتی که در زمان حیات ایشان رخ داده، یک نگاه سیاسی-تاریخی بوده و بدین جهت

بعدها در جریان هدایت و رهبری انقلاب اسلامی ایران از آنها به خوبی بهره برد. مشروعیت‌دهی به برخی تصمیمات و تحولات و مشروعیت‌زدایی از برخی موضوعات خلاف منافع انقلاب با بهره‌گیری از تجربه‌های تاریخی که در گذشته حادث شده‌اند، از جمله کارکردهای تاریخ برای امام^(ره) است. ایشان در این راستا و با هدف ممانعت در اهداف انقلاب می‌فرمایند: «قدرت‌های بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورت‌های مختلف از ملی‌گراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی‌نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسان‌ترند، ذخیره دارند که گاهی سی‌چهل سال با مشی اسلامی و مقدس‌مآبی یا پان‌ایران‌یسم و وطن‌پرستی و حیل‌های دیگر با صبر و بردباری در میان ملت‌ها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۶۳).

اهتمام امام به بهره‌گیری از تجربیات تاریخ معاصر ایران از دو علت اساسی نشأت گرفته است. نخست اینکه سنت حوزه‌های علمیه مکتب تشیع از همان آغاز تأسیس بر درس‌آموزی از حوادث تاریخی پیرامون خود بوده است. شاید یکی از علل استحکام و استقرار مذهب تشیع، توجه علمای شیعه به همین سنت باشد. عامل دیگر در توجه امام به تجربیات تاریخی، «خردورزی سیاسی» ایشان برای تشکیل حکومت اسلامی است. امام خمینی از مبارزات سیاسی روحانیت و نقش آنان در وقوع نهضت‌های مردمی در جهان اسلام و نیز از رجال و جریان‌های سیاسی ایران معاصر باخبر بود و از این آگاهی تاریخی خود در راه پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی کاملاً بهره گرفت (مهدی‌زادگان، ۱۳۷۸: ۶۷).

امام خمینی در کنار عوامل داخلی که در وابستگی و از بین رفتن استقلال کشور نقش دارند، به عوامل خارجی همچون دخالت مستقیم برخی از سفارت‌خانه‌های غربی در آینده سیاسی کشور نیز اشاره داشتند. امام دخالت قدرت‌های غربی در تعیین سرنوشت ملت را به تلخی یاد کرده و در این زمینه فرموده‌اند: «ما در این پنجاه و چند سال روی آزادی را ندیدیم. شما جوان‌ها یادتان نیست که در زمان رضاخان چه گذشت به این ملت. من از اول تا حالا شاهد قضایا بودم، من همه تلخی‌ها را چشیده‌ام... او [رضاخان] را انگلیسی‌ها آوردند و مأمور کردند، این [محمدرضا] را متفقین به حسب آن طوری که خودش در کتاب نوشت و بعد شنیدم که آن جمله را برداشته، خودش در کتاب نوشت که متفقین آمدند اینجا و صلاح دیدند که من باشم» (موسوی خمینی،

۱۳۷۸: ج ۲، ۶۸-۷۰). در واقع در سایه چنین درس‌هایی است که ایشان تصرف سفارت آمریکا از سوی دانشجویان انقلابی را، تسخیر لانه جاسوسی می‌نامند و به شکل ضمنی آن را تأیید می‌کنند.

۲. نگاه دینی به مقوله تاریخ

نگاه کلان‌نگر امام^(ره) به تاریخ، بیش از هر امر دیگری تحت تأثیر آموزه‌های دینی - مذهبی قرار دارد. دین و آموزه‌های دینی برای امام خمینی^(ره) حاوی انگاره‌هایی بود که در جریان تاریخ به بسط‌نهایی خود می‌رسید و این جریان مستمر حرکت به جانب آن غایت اصلی بود و بر همین اساس بود که محتوای آموزه‌های دینی برای ایشان از صرف آیین‌های عبادی و اخلاقی فراتر می‌رفت و سامان‌بخش کل حیات آدمی، در تمامی ابعاد آن بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۶۳). نتایج بسیار مهمی که بر این پیش‌فرض‌های مندرج در بینش تاریخی دینی امام حاصل می‌شد، همه سیاسی و معطوف به برقراری حکومتی دینی بود. در نظر امام، ایجاد حاکمیت اسلامی برای بسط این آموزه‌ها و اهداف تاریخی دین در اجتماع، اولویت اصلی و اساسی قلمداد می‌شد (احمدوند، ۱۳۹۷: ۴۳).

دین و محتوای آموزه‌های آن برای امام خمینی^(ره) در بازتفسیری انقلابی و معطوف به حکومت اسلامی، در نقش یک ایدئولوژی بسیار نیرومند ظاهر می‌شد که نه تنها در حوزه سیاست، بلکه برای تمامی عرصه‌های حیات زیسته ایرانیان، برنامه‌ای مدون و منسجم دارد. بینش تاریخی امام خمینی^(ره) در این راه، هرگونه تفسیر غیرانقلابی و غیرسیاسی را از محتوای آموزه‌های دینی رد می‌کرد. از نگاه ایشان، دین، تحول و تغییر را در تمامی حوزه‌ها به دنبال خود می‌آورد. بنابراین نقد برداشت‌های غیرسیاسی از اسلام و تشیع را به صراحت رد می‌کردند و دیانت و سیاست را مکمل هم عنوان می‌کردند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۱۸۲).

بر این اساس، آنچه در تفسیر تاریخی امام خمینی^(ره) از دین، جنبه عینی به خود می‌گرفت و همین امر نیز در درک جریان کلی تاریخ از منظر ایشان نقشی استثنایی ایفا می‌کرد - تفسیری از دین بود که از درون آن هم بتوان «آزادی» و «استقلال» کشور را استخراج کرد و هم به وسیله بازتفسیر مندرجات آن دفع ایادی اجانب بتوان کرده و پایگاه‌های ظلم و فساد را به وسیله آن

تخریب کرده و در نهایت نیز به قطع دست جنایتکاران و ظالمان اهتمام ورزید (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۵۰).

اسلام به مدد آرای امام خمینی^(۵)، به صورت یک رکن کلیدی فعالیت و رقابت سیاسی درآمد. اسلام احیاشده، به صورت یک ایدئولوژی افضل و برگزیده درآمد که قادر بود، به توده‌ها هویت و مشروعیت بدهد و آنها را جذب و بسیج نماید (قادری، ۱۳۷۸: ۳۲۳). اصطلاح تکلیف، در سیاست داخلی، موضوعات متعددی را در بر می‌گرفت: مبارزه با ظلم و عدم سکوت، تبلیغ اسلام، خدمت به ملت و ارتقای اقتصادی و سیاست و فرهنگ. در عرصه خارجی نیز، تکلیف شرعی در مبارزه با دشمنان اسلام و دفاع از حدود و ثغور کشور خلاصه می‌شد (دهشیری، ۱۳۷۸: ۱۲).

۳. برجسته‌کردن تاریخ ایران پس از اسلام

در نگاه کلان امام خمینی^(۵) به تاریخ، تاریخ ایران باستان و تاریخ پادشاهی ایران از شأن چندانی برخوردار نیست؛ در مقابل، تاریخ اسلام و به ویژه تحولات تاریخ صدر اسلام، در تحولات مختلف از سوی ایشان مورد تأکید قرار می‌گرفت. امام^(۵) از نقطه نظر هویتی توجه خاصی به دانش تاریخ دارد و توصیه می‌کند که باید به تاریخ مراجعه و در آن تأمل نمود تا به خودشناسی رسید: «ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم که چی بودیم، ما در تاریخ چه بوده و چه هستیم، چه داریم، تا این‌ها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا بکنیم. تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی‌شود. بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید» (موسوی الخمینی، ۱۳۸۶: ج ۱۰، ۷۶). در میان شاخص‌های هویتی، مهم‌ترین شاخصه برای امام «اسلام» است و در مرتبت دوم «ایران». در نظر ایشان هویت اسلامی و دینی نسبت به هویت ایرانی و ملی اصالت و اعتبار بیشتری دارد (حضرتی، ۱۳۸۸). از این روست که یکی از اعتراض‌های شدید و مکرر ایشان به رژیم پهلوی، تغییر تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی است. امام چندان نگاه مثبتی به تاریخ سیاسی و سلاطین گذشته ایران ندارد و به تبع آن، گذشته سیاسی ملی را چندان مایه مباهات نمی‌داند: «... یک ملتی که در طول تاریخ زیر سلطه سلاطین جور بوده، در طول تاریخ، ۲۵۰۰ سال زیر سلطه سلاطینی بوده است که همه‌اش جور بوده، حتی آن عادل‌هایشان هم خبیث بودند، حتی آن انوشیروان عادلش هم از خبیث‌ها بوده، حتی آن شاه عباس جنت مکانش هم از اشخاص ناباب بوده، پسر

خودش را کور کرده، در طول تاریخ، این ملت زیر سلطه و چکمه این سلاطین خبیث بوده» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۴، ۲۳۹).

در نقطه مقابل، تشابهی که میان این دوره معاصر با سال‌ها و دهه‌های نخستین ظهور اسلام از نظر امام وجود داشت، سبب می‌شد که تلاش برای تطبیق حوادث و رویدادهای این دوره با دوره‌های پیشین به صورت متناوب تکرار شود. این نگرش تاریخی و تلاش برای بازتفسیر تاریخ صدر اسلام از این بینش دینی اعتقادی به جریان تاریخ ایجاد می‌شد که کل جریان تاریخ مبارزه نیروهای حق و باطل و طرفداران کفر و ایمان تصور می‌شد. ایشان در این بینش ارزش‌گرایانه پیوندی عمیق میان تاریخ معاصر با تاریخ صدر اسلام می‌دید و حرکت خویش و تلاش برای ایجاد دگرگونی‌های کلان را در ادامه همان گفتمان و فضای صدر اسلام می‌دید. این نحوه بینش تاریخی، تاریخ را در خدمت ایدئولوژی قرار می‌داد و از این طریق، پاسخی برای نیازهای جامعه معاصر می‌یافت. بر اساس چنین رویه‌ای است که خوانش امام از حرکت انبیا نیز خوانشی معطوف به اعمال تحولات عمیق در حوزه‌های سیاست و اجتماع بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۳۴۸).

۴. تأکید ویژه به نقش روحانیت در تحولات تاریخی ایران

امام خمینی از میان تجربیات تاریخی گذشتگان، بیشترین توجه را به تجربه‌های روحانیت داشت زیرا حاملان اصلی اسلام؛ یعنی روحانیت، در راه حفظ اسلام و مبارزات مردمی بیشترین نقش را ایفا کردند و به همین دلیل گنجینه‌ای گرانبها از تجربیات تاریخی از خود به میراث گذاشته‌اند (حضرتی، ۱۳۸۸). حضرت امام می‌فرمایند: «این حوزه‌های علمیه است که اسلام را تا حالا نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند از اسلام خبر نبود». ایشان در مورد نقش روحانیون در رهبری نهضت‌های اجتماعی معاصر می‌فرماید: «کسی که تاریخ را دیده است، می‌بیند که روحانیون هم همیشه در هر عصری، آنکه قیام کرده بر ضد طاغوت روحانیون بودند. در زمان مشروطه روحانیون قیام کردند، زمان تحریم تنباکو روحانیون قیام کردند، در این زمان هم که شما مشاهده می‌کنید که قشر روحانی قیام کرد و هم خون داد، هم حبس رفت، هم زجر کشید، هم تبعید کشید، همه این کارها را کشید، لیکن قیام کرد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۶، ۱۶۰).

ایشان مردم انقلابی را به این نکته توجه می‌دادند که چگونه مشروطه‌خواهان غیرمذهبی کوشیدند روحانیت را از صحنه خارج کنند. معظم‌له می‌فرماید: «ببینید چه جمعیت‌هایی هستند که روحانیون را می‌خواهند کنار بگذارند. همانطوری که در صدر مشروطه با روحانی این کار را کردند و اینها زدند و کشتند و ترور کردند، همان نقشه است. آن وقت ترور کردند سید عبدالله بهبهانی را، کشتند مرحوم نوری را و مسیر ملت را از آن راهی که بود، برگرداندند به یک مسیر دیگر و همان نقشه الان هست که مطهری را می‌کشند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۷، ۴۵۹).

حضرت امام به تمام گروه‌های موافق و مخالف بعد از انقلاب این هشدار را می‌دادند که در تاریخ معاصر ایران هر جا نشانی از حضور مردم در صحنه سیاسی بوده، به دلیل قدرت معنوی روحانیت است. لذا کنار گذاشته شدن روحانیت، به نفع هیچ گروه آزادی‌خواه و استقلال‌طلب ایرانی نیست. ایشان به همه فعالان سیاسی توصیه می‌کردند که «اگر این قدرت از دست برود شما هیچ خواهید بود. این قدرت روحانی است که مردم را به کوچه‌ها می‌کشد، قدرت اسلام است که از حلقوم روحانیت بیرون می‌آید، اینها را نشکنید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۸، ۶۰).

د. رویکرد تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در طول بیش از سه دهه که عهده‌دار مقام رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران هستند، همواره چه در حوزه گفتار و چه در حوزه نوشتار، ارزش فراوانی برای تاریخ قائل بوده‌اند. در منظومه فکری ایشان، نگاه دقیق و تحلیلی به تاریخ و رخدادهای آن برای درک درست تحولات بشری و روشن شدن وضعیت موجود از جایگاهی مهم و بنیادین برخوردار است. ایشان در طرح بسیاری از مسائل، ضمن اشاره به مباحث تاریخی به تبیین ابعاد مختلف موضوع پرداخته و در نهایت با ارائه افقی تاریخی به مخاطبان، از این رهگذر به فهم وضعیت موجود و تبیین وظایف اقشار گوناگون ملت می‌پردازند. این «نگاه تحلیلی به تاریخ» و رجوع مداوم به آن یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های «مدیریت گفتمانی و ارزشی رهبری» در سطح جامعه را تشکیل می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای تاریخ را به عنوان «درس و گنجینه اطلاعات ما از گذشته بشریت» تعریف می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۸).

ایشان نیز همچون امام خمینی^(ره)، نگاه کارکردی و عمل‌گرایانه به تاریخ داشته و سعی دارند از تجارب تاریخی که در گذشته اتفاق افتاده، برای سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند. براین اساس، از برخی تحولات تاریخی گذشته به ویژه تاریخ صدر اسلام برای مشروعیت‌بخشی به برخی سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی بهره می‌گیرند.

در نگاه تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای، همچون امام خمینی^(ره) رویکرد دینی و دین اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار است. ایشان در پارادایم فکری خود اسلام و ایران را در یک مجموعه می‌بیند و اسلامی‌سازی تمام شئون اجتماعی را آرمان فرهنگی کشور می‌داند و می‌فرماید: «اگر بتوانیم اخلاق را اسلامی کنیم، فرهنگ را اسلامی کنیم، مردم را با خلیفات اسلامی پرورش دهیم و صفاتی را که در صدر اسلام از یک جماعت کوچک، یک ملت عظیم و مقتدر درست کرد، در ملت مان زنده کنیم، همین‌ها بزرگ‌ترین دستاوردهاست» (بیانات در دیدار وزیر و مسئولان وزارت ارشاد و اعضای شوراهای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۷۴ / ۴ / ۱۹). در اندیشه ایشان ارتقای فرهنگ دینی وظیفه دولت است و تأکید دارند که دولت باید در برنامه‌ریزی‌ها، گشایش اقتصادی و ایجاد غنا در کشور و رفع مشکلات و اصلاح امور اقتصادی و ارتقای فرهنگ دینی را همزمان انجام دهد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰ / ۲ / ۲۸). با نگاهی دقیق به بیانات ایشان می‌توان جایگاه والای تاریخ و آگاهی‌های تاریخی را برگرفته از «بینشی قرآنی» دانست: «اگر تاریخ یک چیز اصلی نبود، قرآن با این عظمت - که اصلاً برنامه انسان‌سازی و برنامه بشریت است - تاریخ را وارد خودش نمی‌کرد؛ اما شما می‌بینید که در قرآن تاریخ هست؛ البته بخش‌هایی که برای بیان اهداف قرآن کارساز است... بنابراین، تاریخ مهم است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰ / ۱۱ / ۸).

آیت‌الله خامنه‌ای شناخت درست از پدیده‌های گوناگون را به فهم تاریخ آن موکول می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵ / ۱۲ / ۱۳). ایشان بر این باورند که آگاهی از تاریخ در واقع اطلاع از سرنوشت عمومی ملت‌ها است: «نگاه به تاریخ باید ما را از سرنوشت عمومی ملت‌ها و آحاد بشری آگاه کند؛ درس است، راه را نشان می‌دهد. این سرنوشت ملت‌هاست. سرگذشت تاریخ عمومی ملت‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹ / ۲ / ۱).

«تضعیف حافظه تاریخی ملت» به اشتباه افتادن در شناخت وضعیت فعلی و آینده یکی از خطرات بی‌توجهی به تاریخ از نظر آیت‌الله خامنه‌ای است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴ / ۶ / ۱۸). از نظر ایشان یکی از

حربه‌های قدرت‌های استکباری و استعماری قطع رابطه ملت‌ها با تاریخ‌شان و انهدام هویت تاریخی آنها است و ماجرای فلسطین یکی از نمونه‌های این توطئه است (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۶/۲۴). آیت‌الله خامنه‌ای برخی از مهم‌ترین نتایج این نوع نگاه به تاریخ را تبیین کرده‌اند: شناخت جبهه‌بندی‌ها: «عده‌ای سعی می‌کنند حوادث روزگار ما را یک حوادث استثنایی وانمود کنند. این غلط است. رنگ‌های زندگی عوض می‌شود، روش‌های زندگی عوض می‌شود؛ اما پایه‌های اصلی زندگی بشر و جبهه‌بندی‌های اصلی بشر، تغییری پیدا نمی‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۱۳).

درک شرایط و فهم وظایف: «من، یک وقت درباره عبرت‌های ماجرای امام حسین^(ع) صحبت‌هایی کردم و گفتم که ما از این حادثه، غیر از درس‌هایی که می‌آموزیم؛ عبرت‌هایی نیز می‌گیریم. «درس‌ها» به ما می‌گویند که چه باید بکنیم؛ ولی «عبرت‌ها» به ما می‌گویند که چه حادثه‌ای اتفاق افتاده و چه واقعه‌ای ممکن است اتفاق بیفتد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۵). «در تاریخ چیزی هست که اگر بخواهیم از آن عبرت بگیریم، باید دغدغه داشته باشیم. این دغدغه، مربوط به آینده است... تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم. تاریخ یعنی شرح حال ما، در صحنه‌ای دیگر... تاریخ یعنی من و شما؛ یعنی همین‌هایی که امروز این جا هستیم. پس، اگر ما شرح تاریخ را می‌گوییم، هر کدام ما باید نگاه کنیم و ببینیم در کدام قسمت داستان قرار گرفته‌ایم. بعد ببینیم کسی که مثل ما در این قسمت قرار گرفته بود، آن روز چگونه عمل کرد که ضربه خورد؟ مواظب باشیم آن طور عمل نکنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۳/۲۰).

کاربرد تاریخ برای هموارسازی راه آینده: «می‌خواهیم از راه شناختن تاریخ خود، گذشته خود و برجستگان این تاریخ، خود را درست بشناسیم؛ امروزمان را درست بفهمیم و راه فردامان را تشخیص بدهیم و باز کنیم... ما به گذشته که نگاه می‌کنیم، با این چشم نگاه می‌کنیم. گذشته برای ما یک وسیله و آینه‌ای است؛ مایه عبرتی است تا راه آینده‌مان را هموار کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۲/۱۹).

هـ مباحث روشی در گفتمان تاریخی امام خمینی^(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

۱. اصول و ضوابط تاریخ‌نگاری از منظر امام خمینی^(ره)

چگونگی ثبت و نگارش تاریخ معاصر ایران همواره یکی از دغدغه‌های امام خمینی (ره) بود. توصیه‌های امام درباره چگونگی نگارش تاریخ معاصر، به خصوص تاریخ انقلاب اسلامی را می‌توان در زمره مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بینش‌ها و روش‌ها بر ذهن و زبان و رویکرد مورخان این دوران به حساب آورد. آنچه برای امام در این حوزه اهمیت داشت، بازتاب دقیق و همراه با جزئیاتی بود که انقلاب اسلامی به خصوص از ابتدای دهه ۴۰ پشت سر گذاشته بود. هدفی که ایشان از نگارش تاریخ ترسیم می‌کردند، یکی بیداری نسل‌های آینده و دیگری «جلوگیری از غلط‌نویسی مغرضان» بود. علاوه بر این، گستره‌ای که تاریخ‌نگاری مورخان می‌بایست در نگارش آثار خود تحت پوشش قرار دهند، قیام‌ها و تظاهرات ملت ایران در تمامی شهرها بود که از جانب امام تأکیدی چشمگیر بر آن می‌شد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۴۳۴). نامه‌ای که در سال ۱۳۶۷ از جانب امام به حجت‌الاسلام سیدحمید روحانی نوشته شد، حاوی نکات بسیار مهمی بود که انتظارات ایشان را از مورخانی که تاریخ معاصر انقلاب را ثبت و نگارش می‌کنند، نمایان می‌کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ۱۰۲). ایشان به سید حمید روحانی بر ضرورت تدوین دقیق تاریخ انقلاب اسلامی تأکید کردند و چنین فرمودند:

«... امیدوارم بتوانید با دقت، تاریخ حماسه‌آفرین و پر حادثه انقلاب اسلامی بی‌نظیر مردم قهرمان ایران را بدان گونه که هست ثبت نمایید. شما به عنوان یک مورخ باید توجه داشته باشید که عهده‌دار چه کار عظیمی شده‌اید. اکثر مورخین، تاریخ را آنگونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته‌اند، می‌نویسند، نه آنگونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که کتابشان بنا است به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند... شما باید نشان دهید که چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپس‌گرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام آمریکایی کردند. شما باید نشان دهید که در جمود حوزه‌های علمیه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یا حرکت انگلیسی می‌کردند، تنی چند از عالمان دین‌باور دست در دست مردم کوچک و بازار، مردم فقیر و زجر کشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن پیروز بیرون آمدند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: جلد ۲۱، ۲۳۹).

این نامه حاوی داده‌های ذی‌قیمتی از گفتمان تاریخی و رویکرد تاریخ‌نگاری مد نظر امام خمینی^(ره) است. تأکید بر مستندنویسی، بهره‌گیری از اسناد صوتی و تصویری برای ماندگارسازی تاریخ انقلاب اسلامی، ویژگی‌های منفی و مثبت مورخان، رسالت مورخان برای آگاهی‌دهی به نسل‌های آینده، تأکید بر نقش و جایگاه مردم و علما در تاریخ از جمله نکاتی است که امام در این مکتوب به روشنی بر آن‌ها تأکید کرده‌اند.

امام علاوه بر نقش مردم در بسیاری از رویدادهای تاریخی، به جایگاه روحانیت در نهضت‌های شیعه توجه ویژه‌ای داشتند و علمای دین را محرک اصلی آن می‌شمارند و می‌فرمایند: «این صد سال اخیر را وقتی ما ملاحظه می‌کنیم، هر جنبشی که واقع شده است، از طرف روحانیون بوده است، بر ضد سلاطین. جنبش تنباکو بر ضد سلطان وقت آن بوده است. جنبش مشروطه بر ضد رژیم بود» یا «باید ملت اسلام بدانند، خدمت‌هایی که علمای دینی به کشورهای اسلامی در طول تاریخ کرده‌اند قابل شمارش نیست» (صوفی نیارکی، ۱۳۸۲: ۲۵).

از دیدگاه امام خمینی^(ره)، تاریخ‌نگاری برای دست‌نگاه حاکم و در عصر ما خدمت مورخ به قدرت‌های شرق و غرب، از بزرگترین آفات تاریخ‌نگاری است، ایشان در این باره می‌فرمایند: «... من گمان ندارم در تمام سلسله سلاطین حتی یک نفرشان آدم حسابی باشد، منتها تبلیغات زیاد بوده است؛ برای شاه عباس آن قدر تبلیغ کردند، با اینکه در صفویه شاید از شاه عباس بدتر آدم نبوده؛ در قاجاریه آن قدر از ناصرالدین شاه تعریف کردند و شاه شهید و نمی‌دانم امثال ذلک، در صورتی که یک ظالم غداری بود که بدتر از دیگران شاید. آن تبلیغات که در آن وقت بود، همیشه بوده است. عدالت‌گستری انوشیروان مثل صلح‌دوستی رئیس‌جمهور آمریکا است و مثل کمونیستی شوروی است ... اصلاً شاه‌پرستند اینها .. آن شاه خوب‌هایشان، آنهایی که شما وقتی که اسمش را می‌نویسند، می‌شنوید، یک تعریفی از او توی دلتان می‌آید، یا توی یک کتابی می‌بینید که نوشتند «جنت مکان»... همان شاه عباس جنت مکان است که پسر خودش را کور کرد! برای خاطر مملکت؛ برای خاطر جاه‌طلبی ... خدا می‌داند که ایران از این پادشاه‌ها چه بر او گذشته» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۴۰۴). این نوع نگاه امام به تاریخ‌شاهان و صراحت بیان در نقد و رد شخصیت‌های اسطوره‌ای ساخته‌شده از آنان در میان فقیهان و محدثان شیعه، حتی در دوران معاصر و پیش از عصر امام خمینی، کم‌نظیر بوده است.

یکی از محورهای مهم مورد عنایت امام در گفتمان تاریخی، الگوساختن تاریخ انبیا و اولیا و قصص تاریخی قرآن کریم است که بارها در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود بدان پرداخته و همگان را به دقت در تاریخ انبیا و عبرت‌گرفتن از قصص آنان فرا خوانده‌اند. از محورهای مباحث ایشان در این باره می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تبیین خط انبیا و اولیا به‌عنوان خط یک عمر فعالیت در مبارزه با ظلم و طاغوت.
- مقایسه مبارزه علیه شاه با مبارزه حضرت موسی و هارون (علیه السلام) با فرعون و لزوم اقتدا به سیره این دو بزرگوار که در ابتدا تنها دو نفر در برابر دستگاه قدرتمند فرعون بودند، اما برای خدا قیام نمودند.

- سیره پیامبر و امیرالمؤمنین علی^(ع) به‌عنوان الگوی حاکم اسلامی و درس عبرتی برای مسلمانان در چگونگی انتخاب حاکم (کریمی و طاووسی مسرور: ۱۳۹۱: ۱۶).

ایشان همچنین در وصیت‌نامه خود وظیفه خطیر مورخان در تبیین صحیح مکتب انبیا و اولیا را متذکر شده‌اند. امام متذکر می‌شود که در بیان تاریخ بزرگان دین و ائمه معصومین^(س)، اکتفا به سال و روز وفات و تولد و مقدار عمر شریف و امثال این امور، چندان فایده‌ای ندارد؛ بلکه باید هدف از مطالعه تاریخ ایشان، اسوه قراردادن آنان و به تاسی سیره آن بزرگواران باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ۴۰۷ - ۴۰۶).

مخالفت با هرگونه تحریف تاریخ بارها از سوی امام خمینی^(ره) در سخنرانی‌ها و دیدارهای ایشان مورد تأکید قرار گرفته است. از نظر امام، وظیفه هر مورخ امین، متفکر و متعهد این است که اگر با تحریف تاریخ از سوی مورخان دیگر مواجه شد، به مبارزه با این جریان برخیزد:

«ما که هنوز در قید حیات هستیم و مسائل جاری ایران را که در پیش چشم همه ما به روشنی اتفاق افتاده است، دنبال می‌کنیم، فرصت طلبان و منفعت‌پیشگانی را می‌بینیم که با قلم و بیان بدون هراس از هر گونه رسوایی، مسائل دینی و نهضت اسلامی را برخلاف واقع جلوه می‌دهند و به حکم مخالفت با اساس، نمی‌خواهند واقعیت را تصدیق کنند و قدرت اسلام را نمی‌توانند ببینند و شکی نیست که این نوشتجات بی‌اساس به اسم تاریخ در نسل‌های آینده آثار بسیار ناگواری دارد. از این جهت، روشن شدن مبارزات اصیل اسلامی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه‌اش تاکنون و رویدادهایی که در آینده اتفاق می‌افتد، از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و علمای متفکر و متعهد بدان

بپردازند ... و امروز قلم‌های مسموم در صدد تحریف واقعیات هستند؛ باید نویسندگان امین این قلم‌ها را بشکنند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: جلد ۳، ۴۳۴). امام در خصوص این موضوع، در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۴ از آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت، خواستار اصلاح تحریفات راه‌یافته به کتب تاریخ مدارس و دانشگاه‌ها درباره نهضت مشروطه و... شدند و از ایشان خواستند که گزارش اجرایی شدن آن را ارسال نمایند.

ثبت دقیق رخدادهای تاریخی از دیگر نکات مورد تأکید امام بود. امام پیش از پیروزی انقلاب در مرداد ۱۳۵۷ در این باره می‌فرماید:

«لازم است برای بیداری نسل‌های آینده و جلوگیری از غلطنویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی بپردازند، و قیام‌ها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستان‌های مختلف با تاریخ و انگیزه آن ثبت نمایند تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت، سرمشق جوامع و نسل‌های آینده شود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۳، ۴۳۱). از ویژگی‌های شخص امام خمینی^(ره) این بود که تمام نامه‌های خود را تاریخ‌گذاری نموده و فرزند خود را نیز بدین کار سفارش می‌نمودند. ارزش این اقدام امام، امروزه بر پژوهشگران تاریخ انقلاب اسلامی پوشیده نیست و می‌توان آن را الگویی برای ثبت دقیق تاریخ انقلاب تلقی کرد (کریمی و طاووسی مسرور: ۱۳۹۱: ۱۸).

یکی از نکات دیگری که در تاریخ‌نگاری از سوی امام راحل مورد تأکید بود، رویکرد تحلیلی در تدوین رخدادهای تاریخی بود. امام راحل تنها ثبت و ضبط دقیق تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی را کافی نمی‌دانستند و مورخان و پژوهشگران را به دقت نظر در تاریخ معاصر و تحلیل آن فرا می‌خواندند: «من امیدوارم که تاریخ‌نویسان ما و آنهایی که اهل مطالعه هستند، این پنجاه سال را تحت نظر قرار بدهند و ببینند که در این پنجاه سال، این پدر و پسر چه به روز این کشور آوردند...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۶، ۱۷۶). این نگاه امام منحصر به تاریخ معاصر نیست؛ بلکه تمام تاریخ اسلام و یا حتی در نگاه کلان، تاریخ بشری را شامل می‌شود. به اعتقاد ایشان، با تحلیل تاریخ می‌توان درس‌ها و نکته‌های فراوان و گوناگونی از آن استخراج نمود. به نظر ایشان مورخ در تدوین تاریخ و استفاده از منابع پیشینیان باید از نگاه انتقادی برخوردار باشد؛ نباید هر گزارش تاریخی را به صرف مطرح‌شدن در کتب پیشینیان با قطع و یقین پذیرفته

و آن را امری مسلم بدانند. امام خمینی^(ره) حتی به بعضی مشهورات رایج تاریخی نیز با شک و تردید می‌نگرند و جای تحقیق و بررسی را در این موارد باز می‌داند:

«مثل ولادت رسول اکرم که گفته شده است که «آتشکده پارس» خاموش شد و کنگره‌های طاق کسری ریخته شد. حالا ریخته‌شدن و خاموش‌شدنش با تاریخ، گفته شده - لکن مطالب این است که دو قوه بوده است آن وقت که یکی قوه حکومت جائر بوده است و یکی هم قوای روحانی آتش‌پرست؛ و به آمدن رسول اکرم این دو قوه شکست؛ در ولادت آن آقا، حضرت رسول - سلام الله علیه - آتشکده‌ها خاموش شد، یا کنایه از اینکه این مبدأ خاموش کردن آتشکده‌های ظلم است، و پایه‌های کنگره‌های قصر کسری فرو ریخت، کنایه از اینکه ظلم باید بریزد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۴، ۱۶۱-۱۶۵). در این راستا، ایشان همچنین می‌فرماید: «راه مناقشه در سند و دلالت بسیاری از روایات باز است؛ حتی در صحیفه مبارکه سجادیه؛ چراکه سند آن ضعیف است. اگرچه بلندی مضمون و فصاحت و بلاغت آن موجب می‌شود که یک نحو وثوق به صدور آن پیدا شود، لازمه آن، وجود وثوق در تمام فقرات صحیفه نیست تا قابل استدلال در فقه شود. همچنین تلقی اصحاب به قبول در صحیفه همانند نهج البلاغه ... بوده و در جمیع فقرات آن نمی‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۸، ۱۸۴).

۲. اصول و ضوابط تاریخ‌نگاری از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

در گفتمان تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای، در برهه‌های مختلف نسبت به مباحث روشی تاریخ‌نگاری اظهارنظرهای فراوانی از سوی ایشان وجود دارد. از جمله مباحث مهمی که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای در حوزه تاریخ‌نگاری مورد تأکید قرار گرفته است، اجتناب نویسندگان تاریخ از ارائه تحلیل تاریخی است. ایشان معتقدند وظیفه مورخین جمع‌آوری و نقل قول و روایت رخدادهای تاریخی است و زمانی که آن‌ها به تحلیل تاریخی اقدام می‌کنند، امکان دارد، قضاوت خودشان را تحمیل کنند و این امر ممکن است باعث جعل و تغییر در ماهیت واقعی حوادث تاریخی شود. وقتی تاریخ روایت شد، هرکس با بهره‌گیری از آن، خودش تحلیل تاریخ را انجام می‌دهد. (میردار، ۱۳۹۷/۱۲/۱۴).

تحریف و سوءاستفاده از تاریخ، دغدغه‌ای است که بارها در محافل مختلف آیت‌الله خامنه‌ای بر آن تأکید داشته‌اند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «...یک مسئله دیگر این است که در تاریخ تحریف صورت گرفته، یا به تعبیر درست‌تر باید گفت که از تاریخ سوءاستفاده شده است. حوادث عالم، واقع شده است. آنچه را که واقع شده است، نمی‌شود عوض کرد؛ اما در جهت استفاده‌های گوناگون - که حالا این استفاده‌ها هم طیف عظیم و وسیعی را درست می‌کند - آمدند بخشی از این واقعیت‌ها را حذف کردند و نگذاشتند به گوش کسی برسد؛ بخشی را رنگ و لعاب دادند و یک خرده پُررنگ کردند؛ بخشی را اصلاً خلق کردند که وجود نداشته است؛ که البته شما نمونه‌هایش را در تاریخ اسلام خودمان سراغ دارید و موارد زیادی را می‌دانید؛ در تاریخ جهان هم هست، در تاریخ امروز هم هست. مثلاً وقتی در باب تعصبات مذهبی صحبت می‌شود، چند درصد از مردم ایران، بلکه چند درصد از مردم خود اروپا خبر دارند که یک روز بر اساس تعصبات مذهبی، کشتار خونینی - که به کشتار «سن‌بارتلمی» معروف است - در شهر پاریس انجام گرفت و هزاران نفر را در یک شب کشتند؟ این یک حادثه مذهبی است؛ یعنی جنگ بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها بوده است... یک شب تا صبح هزاران نفر را در شهر پاریس کشتند؛ فقط برای تعصب مذهبی! الان چند درصد از مردم فرانسه از این قضیه خبر دارند؟ این قطعه اصلاً از تاریخ حذف شده است؛ نمی‌گذارند در دنیا منعکس بشود. از مردم ما چه قدر خبر دارند؟ امروز شما ببینید اروپا چه قدر کسانی یا کشورهایی - از جمله جمهوری اسلامی - را به داشتن تعصب مذهبی شماتت می‌کند؛ اما این حادثه را از تاریخ حذف کرده‌اند! این سوءاستفاده از تاریخ است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸).

یکی از آسیب‌های مهم در حوزه تاریخ‌نگاری از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای جعل رخدادهای تاریخی است: «چیزهایی را هم در تاریخ جعل کردند. وقتی ما تاریخ این همسایه‌های خودمان را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که چیزهایی را جعل کردند که واقعیت ندارد. در تاریخ مدون کشور عراق، در تاریخ مدون کشور سوریه، در تاریخ مدون کشور افغانستان، به خصوص در تاریخ مدون این جمهوری‌های شوروی سابق، آن قدر حقایق حذف شده، آن قدر حقایق جعل شده، که انسان تعجب می‌کند. این سفرنامه «آل‌احمد» را که مربوط به جمهوری‌های شوروی سابق است و اخیراً چاپ شده است، لابد خوانده‌اید. شما نگاه کنید ببینید در این تاجیکستان و قزاقستان و آذربایجان

شوروی و سایر جاها، چه چیزهایی جعل کردند. کسانی را برمی‌کشند و شخصیت‌های دروغینی را بالا می‌آورند که هیچ نیستند؛ برای این‌که از اینها استفاده تاریخی بکنند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸).

ایشان تاریخی را برای کشور مفید می‌دانند که هدف آن عبرت‌آموزی باشد: «... خلاصه عرض کنم؛ تاریخی که ما در این‌جا می‌گوییم، باید برای عبرت‌گرفتن و استفاده‌کردن باشد. استفاده در چه جهتی؟ در جهت انسان‌سازی و استفاده مخاطبان شما در جهت کمال. کدام کمال؟ کمالی که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و اسلام - همان اسلامی که خود شما برایش دارید زحمت می‌کشید و جانفشانی می‌کنید - معین کرده باشند. اگر در خلاف این جهت بود، غلط است. آن وقت این چیزی که می‌تواند در این جهت باشد، مخلوطی از فرهنگ و سیاست و تجربه است. البته نباید در آن خلاف باشد؛ بلاشک باید مبارزه با خلاف‌گویی و تحریف در آن باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸).

آیت‌الله خامنه‌ای تأکید ویژه‌ای بر تدوین تاریخ‌های محلی داشته و متأثر از این دغدغه از سال‌ها پیش در مرکز انقلاب اسلامی و دیگر مراکز پژوهشی کتاب‌های متعددی درباره تاریخ‌های محلی، همچون تاریخ انقلاب اسلامی در شهرهای مختلف منتشر شده است.

دفاع مقدس در گفتمان تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای یکی از موضوعات حساس تاریخ ملت ایران محسوب می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای کسب اطلاعات و آگاهی‌های گوناگون از دفاع مقدس به‌ویژه از زاویه خاطرات و تاریخ جنگ را همواره مورد تأکید قرار داده و لازم دانسته‌اند:

«... در مقوله خاطرات و تاریخ جنگ، من می‌خواهم تکیه و تأکید کنم. ما همه این حجم کاری که انجام دادیم، در مقابل آنچه باید انجام بگیرد، بسیار کم است. با این‌که الان، هم سپاه، هم ارتش، هم حوزه هنری، هم بخش‌های مختلف مردمی، هم ستاد کل و آن قسمت تاریخ جنگ مشغول کار هستند، در عین حال، فرآورده‌های مجموع اینها، هم از لحاظ کمیت، بسیار کمتر از آن چیزی است که باید باشد، هم از لحاظ کیفیت اگرچه بعضی از کیفیات آنها واقعا خوب است اما در مجموع آن کیفیتی که باید نشان‌دهنده زیبایی‌ها، ظرافت‌ها، لطف‌ها، برجستگی‌ها و درخشندگی‌های این دوران عجیب باشد، نیست و هنوز خیلی جا برای حرف‌زدن هست؛ خیلی. ببینید! وقتی گفته می‌شود مثلاً ما ۶۰۰ یا هزار عنوان کتاب درباره دفاع مقدس نوشته‌ایم، بعضی‌ها

خیال می‌کنند که این خیلی زیاد است؛ نه، این خیلی کم است. جنگ یکی از مقاطع حساس تاریخ برای همه ملت‌هاست؛ چه در آن جنگ شکست بخورند، چه پیروز بشوند؛ بررسی این حادثه برای آن ملت‌ها، سرشار از درس است. نه این که فقط افتخار کنیم؛ افتخار کردن، یکی از بخش‌های قضیه است؛ اطلاعات فراوان، آگاهی‌های گوناگون، نشان‌دادن وضعیت‌هایی که وجود داشته است و وضعیت‌هایی که می‌تواند در آینده وجود داشته باشد، از بخش‌های دیگر قضیه است. در دنیا روی جنگ‌هایی که اتفاق می‌افتد، خیلی کار می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۷/۲۹).

و. مواضع امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به تحولات تاریخ معاصر ایران

۱. انقلاب مشروطه

امام خمینی^(ره) و انقلاب مشروطه: امام با به یادداشتن آموزه‌های قرآنی و بیان اینکه تاریخ برای ما درس عبرت است، یافته‌هایی ویژه از مطالعه تاریخ مشروطه در ذهن خود داشتند و سعی می‌کردند از آنها در هدایت و رهبری انقلاب اسلامی بهره‌گیرند. به نظر ایشان، تفرقه در صف مشروطه، بیرون‌رفتن روحانیون از صحنه و نقش وابستگان به بیگانه در این امر و نقش آنها در آوردن قوانین غربی از عوامل شکست مشروطه بود.

«همانگونه که در صدر مشروطه با کشتن نوری و بهبهانی مسیر ملت را برگرداندند، اکنون نیز با کشتن مطهری و دیگران همان نقشه را در سر می‌پرورانند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۸). «در حالی که مشروطه اساساً به دست علمای نجف و ایران آغاز شد و پیروزی‌هایی به دست آورد، اما وابستگان دولت‌های خارجی به ویژه انگلیسی با ترور و تبلیغات روحانیون را از صحنه خارج کردند و با سلطه‌گریزدگان و شرق‌زدگان، استبداد بازگشت و اکنون نیز اگر ملت، علما، نویسندگان و روشنفکران سستی کنند، این انقلاب به سرنوشت مشروطه دچار خواهد شد؛ با توجه به اینکه امروز دشمنان بیشترند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۸).

یکی از درس‌های مهم مشروطه که توسط امام خمینی^(ره) مورد توجه بوده است، کناره‌گیری نیروهای انقلابی پس از پیروزی بود. امام تأکید می‌کند که اگر در صدر مشروطه علما و مؤمنین و روشنفکران متعهد به میدان آمده بودند و مجلس را قبضه می‌کردند، جایی برای خان‌ها و مستبدان و قلدرها که با ارباب رعیت و گرفتن رأی آنها مجلس را در اختیار گرفتند، نمی‌ماند و مشروطه

شکست نمی خورد (دهشیری، ۱۳۸۰: ۳۱). ایشان دورشدن نیروهای متدین از صحنه پس از انقلاب مشروطه را چنین توصیف کرده است: «اکنون ما باید از آن توطئه‌ها و مفاسدی که از انزوای متدینین پیش آمد و سیلی‌ای که اسلام و مسلمین خوردند، عبرت بگیریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۸، ۲۳۱). امام علت اجرانشدن اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه را خدعه و نیرنگ شیاطینی می‌داند که بر انقلاب مشروطه مسلط شدند (دهشیری، ۱۳۸۰: ۳۴).

آیت‌الله خامنه‌ای و انقلاب مشروطه: رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای درباره انقلاب مشروطه با رویکرد امام خمینی^(ره) همپوشانی زیادی دارد. آسیب‌های انقلاب مشروطه از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای عبارتند از: نادیده گرفتن نقش روحانیون در انقلاب مشروطه، جفا به آیت‌الله شیخ فضل‌اله نوری، نبود نظارت علما در مجلس، سلب اعتماد مؤمنان، روشنفکران غرب‌زده و عدم حضور مردم در صحنه. ایشان ضمن آسیب‌شناسی کنار گذاشتن روحانیت در جنبش مشروطه، می‌فرمایند: «پیش از این، در کشور خود ما، انقلاب مشروطیت بود؛ اما بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیت به جایی رسید که رضاخان قلدر، فردی که ضد همه آرمان‌های مشروطه‌خواهی بود، به حکومت رسید». ایشان در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در این باره می‌فرمایند: «[یک نکته در باب شناخت] تاریخچه پرماجرای انقلاب ما این است که توجه کنیم که کشور ما بعد از اینکه سال‌های متمادی دچار استبداد سلطنتی بود تا دوره مشروطه، مشروطیت یک فرصتی بود برای تنفس؛ یعنی انتظار این بود که حادثه نهضت مشروطیت یک مجال تنفسی برای این ملت به وجود بیاورد، به آنها آزادی بدهد؛ اما این‌جور نشد. مشروطیت از همان اول به وسیله بیگانگان، به وسیله قدرت مسلط آن روز دنیا یا یکی از قدرت‌های مسلط آن روز دنیا که دولت انگلیس بود، مصادره شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).

آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص تاریخ‌نگاری انقلاب مشروطه می‌فرمایند: «آنچه من بر آن اصرار دارم، مسئله تاریخ‌نگاری مشروطه است که از سال‌ها پیش با دوستان متعددی این را درمیان گذاشته‌ام و بحث کرده‌ام. ما واقعاً احتیاج داریم به یک تاریخ مستند قوی روشنی از مشروطیت. مشروطیت را باید درست تبیین کنیم، که البته وقتی این تاریخ تبیین شد و در سطوح مختلف آماده شد - چه در سطوح دانش‌آموزی و دانشگاهی، چه در سطوح تحقیقی - پخش و منتشر خواهد شد. حقیقت این است که ما هنوز از مشروطیت یک تاریخ کامل جامعی نداریم؛ این در

حالی است که نوشته‌های مربوط به مشروطیت از قبیل همان نوشته ناظم‌الاسلام یا بقیه چیزهایی که از آن زمان نوشته شده، در اختیار مردم است؛ دارند می‌خوانند و برداشت‌هایی از قضیه مشروطیت می‌کنند که این برداشت‌ها غالباً هم صحیح نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۲/۹).

۲. ملی‌شدن صنعت نفت

امام خمینی^(ره) و ملی‌شدن صنعت نفت: امام خمینی^(ره) اگرچه نفس رخداد ملی‌شدن صنعت نفت را مورد تأیید قرار می‌دهد اما با توجه به جریان‌سازی‌های جبهه ملی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برخی انتقادات که از سوی این جبهه علیه بعضی مسائل صورت می‌گیرد، درباره دکتر مصدق انتقادات تنیدی را مطرح می‌کنند. امام در خصوص آیت‌الله کاشانی نیز اگرچه همواره ایشان را حمایت می‌کرد و با احترام از ایشان یاد می‌کرد، اما انتقاداتی نیز نسبت به ایشان داشتند. در دوم دی ماه ۱۳۵۷ امام در مصاحبه با محمد حسنین هیکل سردبیر روزنامه الاهرام مصر که از علت فراگیرشدن نهضت اسلامی پرسیده بود، در پاسخ به سؤال ایشان خلاصه آن انتقادات را به این نحو یادآور شدند:

«این قدرت، ناشی از اسلام است. در زمان کاشانی - مصدق، اصل سیاست بود. جنبه‌های سیاسی جنبش قوی بود. در زمان کاشانی، هم به وی نوشتیم و هم گفتم که باید جنبه‌های دینی را توجه کنید. نتوانستند و یا نخواستند. ایشان به جای تقویت جنبه‌های دینی و به جای آنکه جهات دینی را به جهات سیاسی غلبه بدهند، خودشان سیاسی شدند؛ رئیس مجلس شدند که اشتباه بود. من گفتم که باید برای دین کار کنند نه آنکه سیاسی بشوند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵، ۲۶۸).

می‌توان دیدگاه امام به دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی را دو خط موازی دانست که یک خط آن پاسداشت سوابق مثبت و شخصیت ضداستعماری آنها بوده و حضرت امام با احترام از آنها یاد کرده و خط دیگر وجه انتقادی که باز هم اغلب با حفظ احترام یاد شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای و ملی‌شدن صنعت نفت: مواضع آیت‌الله خامنه‌ای به واقعه ملی‌شدن صنعت نفت تا حد زیادی با مواضع امام خمینی^(ره) یکسان است. ایشان یکی از دلایل تحقق این پیروزی را ناشی از همراهی همه‌جانبه علما و روحانیون می‌دانند: «در قضیه ملی‌شدن صنعت نفت هم باز روحانیون بودند که جلو افتادند. اگر مرحوم آیت‌الله کاشانی نبود، مطمئن باشید که

مسئله ملی شدن صنعت نفت به هیچ وجه در این کشور پا نمی گرفت. حالا یک عده به تعبیری که بنده کردم، نمک خوردگان نمکدان شکن هستند؛ نان نهضت ملی را می خوردند، بعد به مرحوم آیت الله کاشانی بدگویی می کنند! در حالی که او جلودار این قضیه بود و اگر او نبود، قطعاً مسئله ملی شدن صنعت نفت در این کشور، به جایی نمی رسید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

ایشان در جایی دیگر می فرمایند:

«نهضت ملی شدن صنعت نفت؛ ببینید اینها تاریخ است. اینکه من مدام می گویم تاریخ را بخوانید، در تاریخ تأمل کنید، برای اینها است. اگر علما نبودند و انگیزه دینی نبود، قطعاً نهضت ملی شدن صنعت نفت پیش نمی رفت؛ این را همه بدانند. در مقدمه این نهضت آیت الله کاشانی بود. پشتیبان او مرجع تقلیدی مثل مرحوم آسید محمد تقی خوانساری در قم بود. مروّجان این فکر، یک جمعی در قم و در مشهد ما یک عالم دینی، یک منبری درجه یک و یک فعال مذهبی گوینده متفکر درجه یک [بودند]؛ اینها مروّجین نهضت ملی بودند، مردم به خاطر دین آمدند. بعد که مرحوم کاشانی را جدا کردند، علما را طرد کردند، مذهبی‌ها را کنار گذاشتند، مصدق شکست خورد. تا دین بود، تا عنصر ایمان دینی بود، حرکت به جلو بود؛ وقتی این [عنصر] از آن گرفته شد، حرکت متوقف شد، شکست خورد، تبدیل به عکس شد. یک آمریکایی با یک چمدان اسکناس آمد در تهران و همه قضایا را به هم زد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

۳. کودتای ۲۸ مرداد

امام خمینی^(ره) و کودتای ۲۸ مرداد: امام خمینی^(ره) در مورد کودتای ۲۸ مرداد می فرماید: «این غفلت بزرگ از رجال سیاسی و علما و - عرض می کنم که - سایر اقشار مملکت ما واقع شد، و این آدم [شاه] را تحمیل کردند بر ما و دنباله اش را هم گرفتند که قدرتمندش کنند. از آن وقت تا حالا هم غفلت‌ها شده است... قدرت دست دکتر مصدق آمد لکن اشتباهات هم داشت. او برای مملکت می خواست خدمت بکند لکن اشتباه هم داشت. یکی از اشتباهات این بود که آن وقتی که قدرت دستش آمد، این [محمد رضا شاه] را خفه اش نکرد که تمام کند قضیه را. این کاری برای او نداشت آن وقت، هیچ کاری برای او نداشت، برای اینکه ارتش دست او بود، همه قدرت‌ها دست او بود، و این هم این ارزش نداشت آن وقت. آن وقت این طور نبود که

این یک آدم قدرتمندی باشد ... مثل بعد که شد. آن وقت ضعیف بود و زیر چنگال او بود لکن غفلتی شد. غفلتی دیگر اینکه مجلس را ایشان منحل کرد و یکی یکی وکلا را وادار کرد که بروید استعفا بدهید. وقتی استعفا دادند، یک طریق قانونی برای شاه پیدا شد و آنکه بعد از اینکه مجلس نیست، تعیین نخست‌وزیر با شاه است؛ شاه تعیین کرد نخست‌وزیر را! این اشتباهی بود که از دکتر واقع شد و دنبال آن این مرد را دوباره برگرداندند به ایران، به قول بعضی که محمدرضاشاه رفت و رضاشاه آمد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۳۹). امام در این سخنرانی که در واپسین روزهای رژیم محمدرضاشاه (در زمان دولت بختیار) صورت گرفت، این حوادث را درسی برای ما و روزگار ما می‌داند و ادامه می‌دهد که «من می‌ترسم که رجال علمی و سیاسی و روشنفکران و اقشار ملت ما دوباره دستخوش اشتباه شوند و بدین وسیله آنان را به هوشیاری تا پیروزی بر دشمن فرا می‌خوانم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۳۹).

آیت‌الله خامنه‌ای و کودتای ۲۸ مرداد: آیت‌الله خامنه‌ای نیز علت اصلی موفقیت کودتاجیان در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را اختلاف بین نیروهای ملی‌گرا به رهبری دکتر مصدق و روحانیت به رهبری آیت‌الله کاشانی می‌داند و در این باره می‌فرماید: «بخش بسیار مهم این ماجرا این است که الان عرض می‌کنم و این مطلبی است که می‌خواهم به خصوص جوانان ما به آن توجه کنند. دشمن فهمید که راز پیروزی ملت ایران چیست؛ لذا درصدد برآمد تا سیاسیون و سردمداران دولتی را از روحانیت و دین جدا کند. آنها را از آیت‌الله کاشانی جدا کردند و بینشان فاصله انداختند و متأسفانه موفق هم شدند. از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیت‌الله کاشانی توانست ملت ایران را آن‌طور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل آمریکا در تهران توانستند مصدق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید. در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضد استقلال این کشور و با توطئه دشمنان این ملت، دکتر مصدق مرتب فاصله خود را با آقای کاشانی زیاد کرد، تا این که مرحوم آیت‌الله کاشانی چند روز قبل از ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت - همه این نامه‌ها موجود است - و گفت من می‌ترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدق گفت من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین جا بود. ملت ایران را سرانگشت روحانیت - کسی مثل آیت‌الله کاشانی - وادار می‌کرد که صحنه‌ها را پُر کند

و به میدان بیاید و جان خود را به خطر بیندازد. در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود - و در واقع دولت مصدق او را منزوی و از خود جدا کرده بود - عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا کودتای‌های مأمور مستقیم آمریکا توانستند بیایند و به راحتی بخشی از ارتش را به تصرف درآورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوری محمدرضاشاهی به وجود آمد که بیست و پنج سال این ملت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که آمریکایی‌ها طراحی آن را کردند. هرچه دشمن خواست، همان شد؛ به خاطر جداسدن از روحانیت و دین. اینها عبرت است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۰). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «... دولت مصدق که نفت را که منبع ثروت ملی کشور بود، از چنگ انگلیسی‌ها و از دست انگلیسی‌ها با کمک افرادی که بودند -مرحوم آیت‌الله کاشانی و دیگران- توانست خارج کند، یک اشتباه تاریخی انجام داد و آن تکیه به آمریکا بود. در مقابل دشمنی انگلیس‌ها، فکر کرد باید یک پشتیبانی در عرصه بین‌المللی داشته باشد، این پشتیبان آن روز از نظر او آمریکا بود؛ به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ امید او به آمریکایی‌ها بود. از این خوش‌بینی و ساده‌اندیشی، آمریکایی‌ها استفاده کردند و [کودتای] بیست و هشتم مرداد را به راه انداختند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۸/۱۲).

۴. انقلاب اسلامی

امام خمینی^(ع) با درک اهمیت حفظ دستاوردهای انقلاب و با درس آموزی از تحولاتی چون انقلاب مشروطه، با هوشمندی از همان بدو پیروزی یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌شان انتقال تجارب و تاریخ انقلاب به نسل‌های آینده بود. مأموریت دادن به مرحوم سیداحمد خمینی برای ثبت و مدیریت روایت‌ها و اخبار مرتبط با خود ایشان، دستور تأسیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی برای تدوین تاریخ انقلاب اسلامی و رهنمودهای مختلفی که در اهمیت دادن به تاریخ و تاریخ‌نگاری داشتند، از مهمترین مباحث گفتمان تاریخی ایشان محسوب می‌شود.

چگونگی ثبت و نگارش تاریخ معاصر ایران همواره یکی از دغدغه‌های امام خمینی^(ع) بود. آنچه برای امام در این حوزه اهمیت داشت، بازتاب دقیق و همراه با جزئیاتی بود که انقلاب اسلامی به

خصوصاً از ابتدای دهه ۴۰ پشت سر گذاشته بود. ایشان مکرراً تأکید می‌کردند که مورخان در ثبت جریان تاریخ انقلاب اسلامی، حوادث صدر مشروطه را از یاد نبرند و آثاری به رشته تحریر درآید که نقش روحانیت تشیع در ایجاد تفکر انقلابی میان مردم ایران مورد تأکید قرار بگیرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ۱۰۳).

گفتمان تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای درخصوص انقلاب اسلامی در راستای گفتمان تاریخی امام خمینی^(۵) و در تداوم آن قرار دارد. حفظ دستاوردهای تاریخ انقلاب از جمله دغدغه‌های آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. مرحوم روح‌الله حسینیان در این باره نقل می‌کند: «من از مقام معظم رهبری شنیدم که می‌فرمودند: این قدر نگارش تاریخ در اوایل انقلاب اسلامی برای ما اهمیت داشت که یک بار با آقای هاشمی تصمیم گرفتیم یکی از ما کارهای اجرایی را رها کند و به نگارش تاریخ انقلاب اسلامی و سروسامان دادن به این موضوع بپردازد».

آیت‌الله خامنه‌ای تدوین تاریخ صحیح انقلاب اسلامی را وظیفه مورخان انقلاب اسلامی دانسته و بر این باور بودند که به رغم اهمیت انقلاب اسلامی در کشور و حتی جهان، تاکنون در روشنگری و بیان همه جوانب این حادثه عظیم و دوره‌های حساس پس از آن کار چندان جدی و قابل توجهی به رشته تحریر در نیامده است. ایشان در این مورد در مورخه ۲۱ / ۲ / ۱۳۸۹ در جمع دست‌اندرکاران حوزه نشر می‌فرمایند:

«متأسفانه موضوعی با چنین عظمت (انقلاب اسلامی و حوادث پس از آن) دچار غفلت واقع شده و در زمینه نگارش تاریخ انقلاب اسلامی و تولید کتاب و دیگر محصولات فرهنگی، تقریباً کار خاصی انجام نشده است... باید در خصوص نگارش تاریخ صحیح و واقعی انقلاب اسلامی کاری جدی انجام و غفلت‌های گذشته جبران شود».

از نظر ایشان مؤلفه‌هایی که در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی باید مورد ملاحظه قرار گیرد، عبارتند از:

- به دلیل افزایش آگاهی‌های سیاسی جامعه، گسترش ارتباطات بین‌المللی و بیداری عظیم مردم، تاریخ‌نگاری در مورد انقلاب اسلامی ایران با تاریخ‌نگاری‌های دیگر بسیار متفاوت است.

- تدوین و نگارش تاریخ چنین انقلاب باعظمتی نیازمند توجه جدی به کیفیت تاریخ‌نگاری است.
- در نگارش تاریخ انقلاب اسلامی باید کیفیت نگارش، کیفیت استحصال مطلب، کیفیت در نحوه ارائه مطلب و کیفیت در گزینش اولویت‌ها حتماً مدنظر قرار گیرند.
- مطالب باید به گونه‌ای باشد که مخاطب را اقناع کند.
- تهیه جدول زمانی برای نگارش اولویت‌های مورد نظر در تاریخ انقلاب اسلامی ضروری است.
- انتخاب مخاطب یکی از مسائل مهم در نگارش تاریخ انقلاب اسلامی است زیرا اصلی‌ترین مخاطب این تاریخ، نسل جوانی است که از حوادث انقلاب اسلامی و جزئیات، انگیزه‌ها و پیامدهای آن اطلاعی ندارد.
- لزوم استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی در این حوزه بسیار مهم است. قرار دادن اسناد متقن و جهت‌دهنده در فضای مجازی، به بسیاری از محققان و نویسندگان کمک شایانی خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱/۳۱).

جدول مطالعه تطبیقی ویژگی‌های گفتمان تاریخی امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری

رویکردهای اصلی	موارد	امام خمینی ^(ره)	آیت‌الله خامنه‌ای	پیامد
عرصه پینش	نگاه کاربردی و کارکردگرایانه به تاریخ	✓	✓	هم امام خمینی و هم آیت‌الله خامنه‌ای از تاریخ به عنوان
	توجه بیشتر به تاریخ اسلام در مقایسه با تاریخ ایران باستان	✓	✓	این موضوع در رویکرد تاریخی امام و آیت‌الله خامنه‌ای به شکل بارزی وجود دارد
	نگاه دینی به تاریخ	✓	✓	گفتمان تاریخی امام و آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر نگاه دینی است.

الگو گرفتن از تاریخ انبیا و امامان	✓	✓	بهره گیری از سیره انبیا و امامان اهم از سوی امام و هم آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.
رویکرد پوزیتیویستی	✓	✓	هم امام و هم آیت‌الله خامنه‌ای بر مستندسازی تاریخ تأکید دارند.
رویکرد تحلیلی در تدوین تاریخ	-	✓	امام (ره) تأکید ویژه‌ای بر تحلیل تاریخ دارند.
تأکید بر نقش روحانیت در تحولات تاریخی	✓	✓	نقش روحانیت در تحولات تاریخی ایران و لزوم توجه به این موضوع از سوی هر دو رهبر مورد تأکید ویژه است.
مقابله با تحریف تاریخ از سوی مورخین	✓	✓	هر دو رهبر در این زمینه اشتراک نظر دارند.
مقابله با جعل رخداد‌های تاریخی	✓	✓	برخورد با جعل تاریخ از سوی برخی مورخین در مقاطع مختلف از سوی امام و آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.
توجه به تاریخ‌های محلی	✓	-	در گفتمان تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای تأکید زیادی بر تاریخ‌های محلی شده است.
توجه به خاطرات	✓	-	توجه به خاطره نویسی به ویژه در تاریخ‌نگاری دوره دفاع مقدس از سوی آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.
انقلاب مشروطه	✓	✓	هر دو رهبر نگاه مشترکی به تحولات انقلاب مشروطه دارند.
اعدام آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری	✓	✓	امام و آیت‌الله خامنه‌ای این رخداد را نقطه‌ای سیاه در تاریخ انقلاب مشروطه قلمداد می‌کنند.

حوزه
روش

تحولات
تاریخی

هر دو رهبر به وابستگی رضاخان به انگلیس و نقش انگلیس در کودتا تأکید دارند.	✓	✓	کودتای رضاخان
تأکید امام و آیت‌الله خامنه‌ای به نقش پر رنگ روحانیت در ملی شدن صنعت نفت.	✓	✓	ملی شدن صنعت نفت
امام و آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به مباحث کودتا، رویکرد مشترکی دارند و موفقیت آن را در نتیجه اختلاف بین نیروهای ملی می‌دانند.	✓	✓	کودتای ۲۸ مرداد
در گفتمان تاریخی امام و آیت‌الله خامنه‌ای چه در حوزه بینش و چه در حوزه بینش اشتراک زیادی بین آن‌ها وجود دارد.	✓	✓	انقلاب اسلامی
در گفتمان تاریخی امام ^(ده) در حوزه تاریخ نگاری دفاع مقدس اشاره خاصی وجود ندارد اما در گفتمان تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای توجه ویژه‌ای بر جنبه‌های مختلف تاریخ‌نگاری دفاع مقدس و اهمیت آن وجود دارد.	✓	-	دفاع مقدس

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطرح شده در متن مقاله و با بررسی گفتمان تاریخی امام خمینی^(ده) و آیت‌الله خامنه‌ای با رویکرد تطبیقی، می‌توان نتیجه گرفت گفتمان امام و آیت‌الله خامنه‌ای چه در حوزه رویکرد کلان با تاریخ و چه در حوزه روش تا حد زیادی همپوشانی دارد. در واقع اشتراک در گفتمان امام و آیت‌الله خامنه‌ای یکی از مهم‌ترین نقاط ثبات‌ساز نظام جمهوری اسلامی بوده که نقش بی‌بدیلی در فرهنگ‌سازی، رفتارسازی و نهادینه کردن ارزش‌ها و مقابله با چالش‌ها و بحران‌ها در نظام اسلامی داشته است. گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای همان گفتمان انقلاب اسلامی امام

خمينی^(ده) است. گفتمان تاریخی آن‌ها کاملاً در انطباق با یکدیگر قرار دارد. گفتمان تاریخی امام خمینی^(ده) و آیت‌الله خامنه‌ای در واقع همان قرائت شیعی از اسلام مبتنی بر نظریه حکومت اسلامی و ولایت فقیه بود که به عنوان گرایش مسلط و پیروز در جریان انقلاب اسلامی شناخته شده است. این نوع نگاه تاریخی، به تاریخ از منظر آموزه‌های مذهبی می‌نگریست و مبتنی بر انگاره‌های انقلابی از محتوای این آموزه‌ها بود. ترجیح تاریخ ایران پس از اسلام به تاریخ قبل از اسلام، قائل بودن به برتری و غنای تاریخ ایران بعد از اسلام نسبت به تاریخ قبل از اسلام، نگاه ایدئولوژیک و دینی به تحولات تاریخی، تأکید بر نقش محوری روحانیت در بزنگاه‌های تحولات تاریخ معاصر ایران از وجوه بارز این گفتمان به شمار می‌آید. شاید از معدود نقاط افتراق این دو گفتمان در حوزه روشی تاریخ‌نگاری، تأکید امام بر تحلیل وقایع تاریخی از سوی مورخین و در مقابل توصیه آیت‌الله خامنه‌ای به مورخین برای جمع‌آوری جامع اخبار، اسناد و مدارک رخدادهای تاریخی و پرهیز آن‌ها از تحلیل رخدادهای تاریخی است چرا که قضاوت آن‌ها می‌تواند بر حقایق رخدادهای تاریخی تأثیر بگذارد.

منابع

- احمدوند، زینب؛ مؤمنی، محسن (۱۳۹۷)، تأثیرپذیری تاریخ‌نگاری ایرانی از آموزه‌های تاریخ‌نگارانه امام خمینی (ره)، مجموعه مقالات دومین همایش ملی انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی، اصفهان: انتشارات کانون پژوهش.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۸)، امام خمینی و دانش تاریخ، پژوهشنامه متین: تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۴۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۸/۱۲)، دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵/۱۲/۱۳)، دیدار مدیران و مسئولان مطبوعات کشور با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸/۶/۱۸)، دیدار اقشار مختلف مردم با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۸/۱۸)، دیدار روحانیون استان سمنان با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۱۰/۱۹)، دیدار مردم قم با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷/۲/۱۹)، دیدار مردم لار با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵/۳/۲۰)، دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰/۸/۲۰)، دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۳/۴/۲۲)، دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸/۶/۲۴)، دیدار جمعی از فرماندهان سپاه با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۱/۳۱)، دیدار مسئولان و محققان مرکز اسناد انقلاب اسلامی با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴/۱۰/۵)، دیدار جمعی از پاسداران با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۱۱/۸)، دیدار اعضای گروه تاریخ صدای جمهوری اسلامی ایران با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۲/۹)، دیدار شورای مرکزی و کمیته‌های علمی همایش صدمین سالگرد مشروطیت با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۶/۸/۹)، دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۴/۳۰)، دیدار مسئولان و کارگزاران نظام با مقام معظم رهبری، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- دولت آبادی، فیروز (۱۳۷۷)، شکست یا پیروزی، بحثی پیرامون رابطه ایران و جهان اسلام، یادداشت‌های ایران، به کوشش گودولو و لوریچی پانتزا، ترجمه: فیروزه مهاجر، تهران: بی‌نا.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ساعی، علی (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)، تهران: سمت.
- صوفی نیارکی، تقی (۱۳۸۲)، «فراسوی سایه‌روشن، امام خمینی^(ره) و ترسیم فضای جدید در تاریخ‌نگاری معاصر»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران، سال دوم، شماره ۹.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، معضل آزمون استدلال علی در تحقیقات تاریخی تطبیقی-در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۱-۵۰، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی، عادل (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: نشر لویه با همکاری نشر آگرا.
- فلاح‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۸)، «رهیافت‌های تاریخی در اندیشه امام خمینی^(ره)»، کتاب نقد، سال چهارم، شماره سیزدهم.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸)، اندیشه‌های دیگر، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کریمی، محمود و طاووسی مسرور، سعید (۱۳۹۱)، «اهمیت و آسیب‌شناسی تاریخ و تاریخ‌نگاری از منظر امام خمینی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ۶.
- گلدستون، جک (۱۳۸۵)، مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- مک کی، تام و دیوید مارش (۱۳۸۷)، روش مقایسه‌ای، در دیوید مارش و جری اسکوتر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمدیوسفی، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۳۶۲)، در جستجوی راه از کلام امام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، دوره جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، ۲۲ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- موسوی‌الخمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، کشف الاسرار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- موسوی تبریزی، حسین (۱۳۸۷)، امام و نهضت ملی شدن نفت، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- مهدوی‌زادگان، داوود (۱۳۷۸)، بررسی تاریخی در مؤلفه‌های نظری موفقیت امام خمینی^(ره)، مجله حضور شماره ۳۰.
- میردار، مرتضی (۱۳۹۷/۱۲/۱۴)، روایتی از دیدار اهالی تاریخ با رهبر انقلاب، قابل دسترسی در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/12/14/1962095>

Mahoney, James and Dietrich, Rueschemeyer (2003) "Comparative Historical Analysis: Achievements and Agendas" in Comparative Historical Analysis in the Social Sciences edited by James Mahoney and Dietrich Rueschemeyer, Cambridge: Cambridge University Press.

Smelser, Neil J. (2003) "On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology", International Sociology, 18(4): 643-657